

Comparative Semiotics of color in resistance poetry and painting
(Case Study: Qeysar Aminpour's Poems and kazem Chalipa's Paintings)

Hesam Hasanzadeh

Zahra Baqerzadeh Atashchi

Payam Foroughirad

Abstract

Poetry and painting are aesthetic tools in the field of resistance which are a mirror of the exquisite and beautiful images formed in the artist's mind. Creating innovative ideas of resistance and inducing revolutionary message, Qeysar Aminpour (poet of Revolution) and kazem Chalipa (painter of Revolution) arouse patriotism and fighting against oppression in audience. These artists use the symbolic element of color – which comes from the artists' collective unconscious- for this purpose, so it leaves a physiological effect on the audience. Understanding the psychological characteristics of colors Aminpour and Chalipa have illustrated the resistance and revolutionary atmosphere of society and have used this element for the sake of conveying the content. Although the ways in which they have used this element are different, they have common goal and the implicit connotations of the symbol of color correspond in their works. The aim of this study is to comparatively investigate the use of color in Qeysar Aminpour's resistance poetry and kazem Chalipa's paintings. For this purpose, a descriptive- analytical method of research was used.

Keywords: Resistance Poetry, painting, symbol, Chalipa, Aminpour.

^۱. Faculty Member at the Department of art, University of Mohaghegh Ardabili, Email: hesam_hasanzadeh@yahoo.com

^۲. M.A. Graduate of Graphic Design, Shahed University, Email: samira_baqerzadeh@yahoo.com

^۳. PhD Graduate of Persian Language and Literature, University of Mohaghegh Ardabili (Corresponding Author), Email: p.adabiat@gmail.com

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره نوزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

نمادشناسی تطبیقی رنگ در شعر و نقاشی پایداری

(مطالعه موردی: اشعار قیصر امین پور و نقاشی‌های کاظم چلیپا)

(علمی-پژوهشی)

دکتر حسام حسن زاده^۱

زهرا باقرزاده آتش چی^۲

پیام فروغی راد^۳

چکیده

شعر و نقاشی، ابزار زیبایی‌آفرین در حوزه مقاومت و پایداری‌اند که تصاویر ذهنی بدیع و زیبایی هنرمند را انعکاس می‌دهند. قیصر امین پور (شاعر انقلابی) و کاظم چلیپا (نقاش انقلابی) با خلق مضامین بکر پایداری و القای پیام انقلابی، حس وطن‌دوستی و مبارزه با ظلم را در مخاطب برمی‌انگیزند. بهره‌گیری این دو هنرمند از عنصر نمادین رنگ - که از ناخودآگاه جمعی هنرمند سرچشمه می‌گیرد - برای همین منظور است؛ بنابراین، تأثیر فیزیولوژیکی بر مخاطب می‌گذارد. امین پور و چلیپا با شناخت ویژگی‌های روانی رنگ‌ها، فضای پایداری و انقلابی جامعه را ترسیم کرده و این عنصر را در خدمت محتوا قرار داده‌اند. اگرچه شیوه‌های بهره‌گیری این دو هنرمند از رنگ متفاوت است؛ اما هدفی مشترک دارند و مفاهیم نهفته نماد رنگ در آثارشان مطابقت دارد. هدف از جستار حاضر، بررسی تطبیقی کاربرد رنگ در اشعار پایداری قیصر امین پور و کاظم چلیپا است. برای نیل به این هدف از روش بررسی توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: شعر پایداری، نقاشی، نماد، چلیپا، امین پور.

^۱ عضو هیات علمی گروه هنر دانشگاه محقق اردبیلی hesam_hasanzadeh@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد طراحی گرافیک، دانشگاه شاهد samira_bagherzadeh@yahoo.com

^۳ دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول: p.adabiat@gmail.com)

۱- مقدمه

رنگ، برجسته‌ترین و مؤثرترین عامل در خلق تصاویر حسی و توصیفات تجسمی - بصری است که نقش بارزی در آفرینش صور خیال و روایات توصیفی ایفا می‌کند؛ علاوه بر این، نوعی نماد است که با توجه به موقعیت فرهنگی، معناهای متفاوتی داشته و در تمام سطوح موجودیت و شناخت، از جمله کیهان‌شناسی، روانشناسی علم باطن و غیره تفاسیر مختلفی دارد (شوالیه و گِربران، ۱۳۸۸، ج ۳: ۳۴۴) و همواره پشتیبان تفکر نمادین باقی می‌ماند.

از نظر روانشناسی، هر رنگی کارکرد فیزیولوژیکی خاصی در درون فرد داشته و بر ذهنیت او تأثیر متفاوت می‌گذارد؛ به‌عنوان نمونه، قرمز رنگی است شاد و پرنیرو، فعال و گرم و تحریک‌کننده که میل به حرکت و کار و فعالیت را در انسان به وجود آورده و خود را به چشم ناظر تحمیل می‌کند و هم حالت جدی‌بودن و وقار و هم حالت مهربانی و جذابیت را القا می‌کند. این رنگ به سبب میل به فعالیت که در انسان به وجود می‌آورد، ضربان قلب را تند می‌کند و فشار خون و شدت تعرق را افزایش می‌دهد. قرمز اصلی، رنگی سرشار از زندگی، باحرارت و منقلب است و اشتها را تحریک می‌کند، رنگ عشق و خانواده و پیکار و شهادت است (افشارمهاجر، ۱۳۹۰: ۳۷۶). رنگ سبز آرامش‌بخش است؛ ولی آرامشی که ایجاد می‌کند؛ مانند آبی درونی و خواب‌آور نیست؛ بلکه آرامشی است که از ایجاد صلح و صفا و امنیت و تعادل ایجاد می‌شود. این رنگ، امید و زندگی را تداعی می‌کند (همان: ۳۷۸)؛ در واقع، خاطره‌سازی سیستم ذهنی ما از رنگ‌هاست. خصلت خاطره‌سازی رنگ‌ها به‌مرور در زندگی انسان، باعث پیدایش مفاهیم نمادین رنگ‌ها می‌شود.

آنچه از روایات و احادیث متعدد اسلامی دربارهٔ رنگ برمی‌آید، نشان می‌دهد در این روایات، غلبهٔ کامل با رنگ‌های سبز، زرد، سرخ، سفید (چهار رنگ مطرح در قرآن) و کبود است و به جرئت می‌توان گفت هیچ رنگی در روایات از نظر کثرت کاربرد چون رنگ‌های فوق‌الذکر نیست (بلخاری، ۱۳۹۴:۱۳۷). عرفان اسلامی نیز، رنگ را در تبیین و تمیز منازل سلوک به خدمت گرفت و به آن صورتی کاملاً معنوی و عرفانی بخشید (همان: ۱۳۵). طبق مطالعهٔ باستان‌شناسان و محققان تاریخ هنر، انسان از ابتدا با رنگ‌ها آشنا بود و از آنها برای نشان دادن جنبهٔ جادویی و اعتقادی مراسم و تشدید این جنبه بهره می‌برده است (توحیدی، ۱۳۸۷: ۲۳).

نماد رنگ از عناصر مشترک در شعر و نقاشی پایداری است. شاعران و نقاشان حوزهٔ پایداری برای به تصور کشیدن مضامین انقلابی و مقاومت، به‌وفور از عنصر نمادین رنگ بهره گرفته‌اند. قیصر امین‌پور و کاظم چلیپا از جمله هنرمندانی هستند که از این عنصر نمادین استفاده کرده‌اند. هدف قیصر از به‌کارگیری رنگ، بیان احساسات انقلابی و پایداری خود است. این عنصر نمادین، در بردارندهٔ آرزوها، احساسات و عقاید قیصر است (محمدی و زارعی، ۱۳۹۰: ۱۵۲). کاظم چلیپا نیز با بهره‌گیری نمادین از رنگ‌ها در تلاش است بر معنای خاص تصاویر تأکید کند و مخاطب را در بازیابی معنای نهفته در نقاشی‌ها یاری کند. بنابر اهمیت نماد رنگ در شعر و نقاشی، در جستار حاضر به بررسی این عنصر در آثار کاظم چلیپا و قیصر امین‌پور می‌پردازیم.

۱-۱- پیشینهٔ تحقیق

تاکنون در هیچ پژوهشی به بررسی تطبیقی رنگ در شعر امین‌پور و نقاشی‌های چلیپا پرداخته نشده است؛ حتی این‌گونه بحث و بررسی در مورد دیگر نقاشان و شاعران نیز شکل

نگرفته است؛ با وجود این در برخی پژوهش‌ها، موضوعاتی مرتبط با جستار حاضر دیده می‌شود که به آنها اشاره می‌گردد:

محمدرضا صرفی و فاطمه هدایتی در بخشی از مقاله «نماد و نقش مایه‌های نمادین در داستان‌های کودک و نوجوان دفاع مقدس» (۱۳۹۲)، به بررسی نماد رنگ در داستان‌های پایداری و تأثیر آن در القای مفاهیم و پیام به کودکان و نوجوانان پرداخته‌اند.

علی محمدی و جمیله زارعی در مقاله «بررسی و تحلیل آرایه نماد در سروده‌های قیصر امین‌پور» (۱۳۹۰)، به بیان معانی احتمالی انواع نماد و تعیین خاستگاه‌های نمادهای موجود در اشعار قیصر پرداخته‌اند که در بخشی از این پژوهش، به صورت گذرا به مهم‌ترین رنگ‌های به کار رفته در اشعار قیصر اشاره شده است.

یحیی معروف و بهنام باقری در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه نمادین رنگ در ادبیات مقاومت نمونه مورد پژوهانه: سمیح قاسم» (۱۳۹۰)، از طریق شناخت ویژگی‌ها، خواص و معانی نمادین رنگ‌ها و تأثیرات آنها سعی در کشف رمزهای شعری سمیح قاسم کرده‌اند.

معصومه نصرتی در بخشی از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی نمادها در شعر کودک و نوجوان دفاع مقدس در دو دهه شصت و هفتاد» (۱۳۸۸)، به بررسی نماد رنگ پرداخته است.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

بررسی بینارشته‌ای می‌تواند گامی اساسی در تبیین زوایای پنهان متون ادبی باشد؛ به‌ویژه در حوزه ادب پایداری و نقاشی‌های پایداری که در هر دو با توصیف و تصویرسازی سر و کار داریم؛ بنابراین، اهمیت پژوهش حاضر در این است که تصویرسازی‌های نمادین از عنصر رنگ در شعر و نقاشی پایداری مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۲- بحث

انسان همواره با نیروی نامحسوس رنگ‌ها پیوند داشته و آگاهانه یا ناآگاهانه تحت تأثیر آنها بوده و هر فردی، به شیوه‌ای خاص نسبت به این پدیده واکنش نشان داده‌است. رنگ بازتابی از احساسات انسان و کلامی گویا برای بازگو کردن خُلق و خو و کلید ورود به ساختار شخصیتی هر فرد است و بدون واسطه، مفاهیم عمیق درون انسان را بیان می‌کند؛ چنانکه ترجیح یک رنگ بر دیگر رنگ‌ها، روشن‌گر شخصیت و حالات روحی فرد است؛ بنابراین رنگ، شناسنامه احساس فرد است که دربردارنده خواسته و سرشت اوست (علوی‌مقدم و پورشهرام، ۱۳۸۹: ۸۴). «نمادپردازی رنگ، یکی از جهانی‌ترین انواع نمادهاست و در آئین‌های عشای ربانی، تبارشناسی، کیمیاگری و ادبیات آگاهانه به کار گرفته شده‌است» (سرلو، ۱۳۹۲: ۸۰).

۲-۱- شرح حال قیصر امین‌پور

قیصر امین‌پور در روز دوم اردیبهشت ۱۳۳۸ در گتوند به دنیا آمد. در سال ۱۳۶۷، سردبیر مجلهٔ سروش نوجوان شد و از همین سال در دانشگاه الزهرا و دانشگاه تهران به تدریس اشتغال داشت. در سال ۱۳۸۲ نیز، به‌عنوان عضو فرهنگستان ادب و زبان فارسی انتخاب شد. اولین مجموعه شعرش را با عنوان «تنفس صبح» که بخش عمدهٔ آن غزل بود و حدود بیست قطعه شعر آزاد، از سوی انتشارات حوزهٔ هنری در سال ۱۳۶۳ منتشر کرد و در همین سال، دومین مجموعه شعرش «در کوچهٔ آفتاب» را در قطع پالتویی به‌وسیلهٔ انتشارات حوزهٔ هنری وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی به بازار فرستاد. در سال ۱۳۶۵، «منظومهٔ ظهر روز دهم» به‌وسیلهٔ انتشارات برگ وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به بازار می‌آید که شاعر در این منظومهٔ ۲۸ صفحه‌ای، ظهر عاشورا، غوغای کربلا و تنهایی عشق را به‌عنوان جوهرهٔ سرودهٔ بلندش در نظر می‌گیرد. سال ۱۳۶۹ گزیدهٔ دو دفتر «تنفس صبح» و «در کوچهٔ آفتاب» با عنوان «گزیدهٔ دو دفتر شعر» از سوی انتشارات سروش از وی منتشر می‌شود. در اواسط دههٔ هفتاد، دومین دفتر از اشعار امین‌پور

با عنوان «آینه‌های ناگهان» منتشر می‌شود که حاوی اشعاری است که بعدها در کتاب‌های درسی به‌عنوان نمونه‌هایی از شعرهای موفق نسل انقلاب می‌آید. «گل‌ها همه آفتابگرداند» جدیدترین کتاب امین‌پور نیز، در سال ۱۳۸۱ از سوی انتشارات مروارید منتشر شد. قیصر در سال ۱۳۸۲ برخلاف تمایلیش از سردبیری سروش نوجوان استعفا داد و ضمن عضویت در فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، به تدریس در دانشگاه تهران و الزهرا ادامه داد. وی در هشتم آبان ۱۳۸۶ دارفانی را وداع گفت.

۲-۲- شرح حال کاظم چلیپا

کاظم چلیپا در سال ۱۳۳۶ در تهران به دنیا آمد. او نقاشی را نزد پدرش مرحوم حسن اسماعیل‌زاده، نقاش قهوه‌خانه‌ای آموخته‌است. او دارای مدرک کارشناسی ارشد نقاشی از دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران است. این هنرمند نقاش، آثارش را در تعداد بسیاری نمایشگاه‌های گروهی و بی‌ینال‌های نقاشی در داخل و خارج از کشور به نمایش گذاشته و کسب مقام اول نمایشگاه بین‌المللی هنرهای ظریفه ژاپن در سال ۱۳۷۱ را در کارنامه هنری‌اش ثبت کرده‌است؛ همچنین او برنده جایزه دست خط زرین امام (ره) در سالگرد هشت سال دفاع مقدس و برنده قلم‌موی زرین جایزه ویژه و دیپلم افتخار شده‌است. تدریس در رشته هنر دانشگاه‌های کشور و داوری نمایشگاه‌های مختلف تجسمی نیز، از دیگر فعالیت‌های این هنرمند محسوب می‌شوند. او همچنین عضو افتخاری انجمن نقاشان آذربایجان (باکو) است. چلیپا از اعضای پایه‌گذار هنر انقلاب و دفاع مقدس در مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری به شمار می‌آید. او با خلق بیش از ۲۰۰ اثر با موضوع انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، مقاومت و ... موفق به دریافت تندیس و یادبودهای فراوانی از بی‌ینال‌های هنری و همچنین لوح تقدیر در ارتباط با نقاشی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس شده‌است.

قیصر امین‌پور از دل‌انگیزی و دلاویزی رنگ، کام‌ها یافته و از آن برای تصویرگری‌های ادبی و نشان دادن ذهنیت خود بر دوش جملات بهره‌ها برده‌است. کاظم چلیپا نیز برای نشان دادن

اندیشه‌ای بر روی بوم از عنصر رنگ بهره گرفته است. با بررسی رنگ در آثار هنری، علاوه بر شناخت گرایش‌های فردی-روانی هنرمند می‌توان به اوضاع اجتماعی او نیز پی برد (موسوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۰-۶۱). در این بخش به معرفی رنگ‌های زرد، قرمز، سیاه، آبی و سبز می‌پردازیم که در آثار قیصر امین‌پور و کاظم چلیپا به کار رفته‌اند و معانی نمادین مشابهی دارند:

۲-۳- رنگ‌ها

۲-۳-۱- زرد

زرد، رنگی شدید، سخت، تیز تا به حد زندگی، خارج از اعتدال و چون توده‌ای فلز مذاب کورکننده است. زرد گرم‌ترین، پراکنده‌شونده‌ترین و سوزاننده‌ترین رنگ‌هاست؛ علاوه بر این، نماد افول، پیری و نزدیکی مرگ است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸، ج ۳: ۴۵). رنگ زرد نمایانگر تغییر و تحول است (لوچر، ۱۳۷۶: ۸۸). در شعر زیر، دو واژه «زرد» و «پاییز»، تداعی گر ریزش برگ‌های درختان است؛ برگ‌های پراکنده‌ای که رنگ زرد و سوخته دارند و نشانگر افول و پژمردگی درخت سرسبز (تغییر و تحول) هستند. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، این است که در فرهنگ نمادها، زرد را نماد نزدیکی مرگ دانسته‌اند و این معنی، نزدیکی پاییز را - که در این شعر آمده است- به زمستان (مرگ طبیعت) تداعی می‌کند.

سراپا اگر زرد و پژمرده‌ایم؛ / ولی دل به پاییز نسپردیم / چو گلدان خالی لب پنجره / پر از خاطرات
ترک خورده‌ایم (امین‌پور، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

زرد از رنگ‌های پرکاربرد در نقاشی‌های چلیپاست. در نقاشی شماره (۱) با عنوان مقاومت، قرار گرفتن رنگ زرد و سیاه در کنار یکدیگر و نمایش پیکر زردرنگ کودک در آغوش مادری مغموم، تداعی گر افول و مصیبت ناشی از آن است؛ هر چند این، افولی دنیوی است؛ اما سایر رنگ‌های این اثر نشانی از طلوع در جهانی دیگر دارد. این نقاشی مبین مقاومت شیرزنان

ایران در هشت سال دفاع مقدّس است؛ مقاومتی همراه با شهادت؛ همان مفهومی که قیصر نیز در این بیت به آن اشاره می‌کند:

از سقف‌های کاذب سربی/ باران زرد/ باران شیمیایی می‌بارد (امین‌پور، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

که در آن زرد نماد کشتار و نزدیکی مرگ است. منظور از باران شیمیایی، مواد شیمیایی است که نیروهای بعثی در جنگ علیه ایران استفاده می‌کردند.



نقاشی (۱). چلیپا، کاظم (۱۳۶۲). مقاومت، [نقاشی]. گودرزی، مرتضی (۱۳۸۷). هنر متعهد اجتماعی دینی در ایران. «نقاشی انقلاب». تهران: فرهنگستان هنر.

۲-۳-۲- سرخ

رنگ سرخ به خاطر نیرو، قدرت و درخشش خود در سراسر جهان به‌عنوان نماد اساسی اصل زندگی ملحوظ می‌شود (شوالیه و گِربران، ۱۳۸۸، ج ۳: ۵۶۷). روانشناسان از اصل زندگی به‌عنوان نیروی حیات یاد کرده‌اند (لوچر، ۱۳۷۶: ۸۳)؛ بنابراین، رنگ سرخ و قرمز نیروی حیات است. امین‌پور، مرگ سرخ را جاودانه‌ترین هستی می‌داند که در این صورت، رنگ سرخ تداعی‌گر اصل زندگی و نیروی حیات است.

کو عمر خضر، رو طلب مرگ سرخ کن/ کاین شیوه، جاودانه‌ترین طرز بودن است (امین‌پور، ۱۳۸۹: ۴۸).

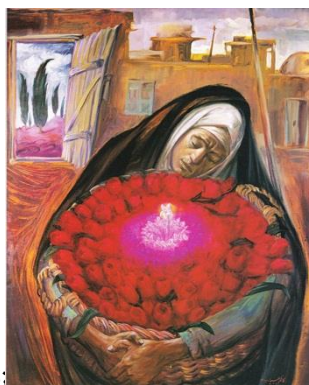
قیصر با اعتقاد به مفهوم آیه قرآنی «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹)، شهید را به لاله سرخ تشبیه کرده‌است.

همین برداشت قیصر از رنگ سرخ را در نقاشی «چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد» (نقاشی ۲) و «ایثار» (نقاشی ۳) می‌بینیم. رنگ غالب در هر دو اثر قرمز است. قرمز رنگ عشق و خانواده و پیکار و شهادت است (افشارمهاجر، ۱۳۹۰: ۳۷۶). همچون سایر آثار، این نقاشی‌ها مضمونی انقلابی دارند. نقاش آگاهانه و با توجه به معانی نمادین رنگ، آن را برای این دو موضوع انتخاب کرده‌است. فضای آثار، فضایی صمیمی است. در نقاشی (۲)، مادری سبزی پر از لاله‌های سرخ (نمادی از شهدای گلگون‌کفن) با چهره‌ای رنجور در آغوش گرفته‌است. در پس‌زمینه، خانه‌های گلی و دری که سروی از آن پیدا است، دیده می‌شود. این لاله‌های سرخ گون نمادی است از آنان که جان خویش را ایثار کردند و سرو پس‌زمینه، سمبل و نمادی از مقاومت است. تضادهای رنگی مکمل و وسعت در این نقاشی حاکم است و قرمز غالب با سبز به تعادلی بصری رسیده‌است. در نقاشی «ایثار» (نقاشی ۳) نیز، مادری فرزندان را با آغوشی باز به سوی شهادت بدرقه می‌کند. تضاد رنگی قرمز و سفید در این نقاشی با ترکیب‌بندی متمرکز، به ایجاد تعادل بصری اثر انجامیده‌است. لاله در فرهنگ انقلاب اسلامی نماد شهادت است؛ پس رنگ سرخ آن نیز همین مفهوم را القا می‌کند. چنین انتخابی را در اشعار قیصر امین‌پور هم برای موضوعات مشابه می‌بینیم:

ز بس فرشته به تشییع لاله آمد و رفت / صدای مبهم برخورد بال می‌آید / ... به لحظه لحظه‌های این روزهای سرخ قسم / که بوی سبزترین فصل سال می‌آید (امین‌پور، ۱۳۸۹: ۵).



نقاشی (۳)



نقاشی (۲)

نقاشی (۲). چلیپا، کاظم (۱۳۶۳). چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد، [نقاشی]. گودرزی، مرتضی (۱۳۸۷). هنر متعهد اجتماعی دینی در ایران. «نقاشی انقلاب». تهران: فرهنگستان هنر.

نقاشی (۳). چلیپا، کاظم (۱۳۶۰). ایثار، [نقاشی]. گودرزی، مرتضی (۱۳۸۷). هنر متعهد اجتماعی دینی در ایران. «نقاشی انقلاب». تهران: فرهنگستان هنر.

۲-۳-۳- سیاه

سیاه از نظر نمادگرایی، اغلب به‌عنوان سرد، منفی و ضد تمام رنگ‌ها شناخته می‌شود (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸، ج ۳: ۶۸۵). سیاه اغلب به‌عنوان نمادی برای ظلمت زمینی، شب، درد، دغدغه، غم، جهل و مرگ به کار می‌رود (همان: ۶۹۲) و رنگی است که زندگی را متوقف می‌کند و هستی موجودات را ساقط می‌گرداند (لوچر، ۱۳۷۶: ۹۷)؛ به طور کلی، تمام رنگ‌های روشن، جنبه‌های مثبت زندگی را نشان می‌دهند و نماد زندگی هستند؛ در حالی که رنگ‌های تیره و تاریک سمبل‌های منفی و گرفته‌اند (ایتن، ۱۳۶۷: ۲۴۱). در شعر قیصر، رنگ سیاه نقطه مقابل رنگ سفید و نماد ظلمت و مرگ است:

دلم میان دو دریای سرخ، مانده سیاه/ همیشه برزخ دل، تنگه پریشانی است (امین‌پور، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

قیصر در وصف شب ظلمانی، از واژه‌های سیاه بهره گرفته تا تصویر شعر برای مخاطب به سهولت تداعی گردد. تصویری که نشان‌دهنده ویرانی و کشتار است:

من از درون سینه خبر دارم/ از خانه‌های خونین/ از قصه‌های عروسک خون‌آلود/ از انفجار مغز
سری کوچک/ بر بالش که مملو از رُویاست/ رُویای کودکانه شیرین/ از آن شب سیاه/ مردی به روی
جوی خیایان/ خم بود با چشم‌های هراسان/ دنبال دست دیگر خود می‌گشت (امین‌پور، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

همین مفهوم را چلیپا در نقاشی «هفده شهریور» (نقاشی ۴) به کار برده‌است. اثری که می‌توان آن را ترجمان بصری شعر مذکور دانست. مادری فرزند شهیدش را در آغوش گرفته و نگران به دوردست نگاه می‌کند. رنگ سیاه و خاکستری‌های حاکم بر آن، جوی غمناک به وجود آورده که مخاطب با تمام وجود آن را حس می‌کند. فضای اندوهناکی که رنگ قرمز پیراهن مادر و صورت خونین فرزند شهیدش، مژده شهادت را در آن تداعی می‌کند. نقاش با مهارت از تضاد فام در این اثر استفاده کرده و تضاد نومی و امید را با بیان بصری سنجیده‌ای به تصویر کشیده‌است. چلیپا در مورد این نقاشی می‌گوید: «اولین تابلویی که بعد از انقلاب کار کردم، نقاشی ۱۷ شهریور و صحنه‌ای بود که در مقابل چشمان خودم اتفاق افتاد» (<http://sobhehonor.ir>).



نقاشی (۴). چلیپا، کاظم (۴). ۱۷ شهریور، [نقاشی]. <http://sobhehonar.ir>

۲-۳-۴- آبی

در نمادشناسی رنگ آبی، معتقدند که آبی یکی از ژرف‌ترین رنگ‌هاست. نگاه بدون اینکه به مانعی برخورد کند، در آن فرو می‌رود و تا بی‌نهایت پیش می‌رود؛ گویی در مقابل حریم جاودانه رنگ باشد. آبی غیرمادی‌ترین رنگ‌هاست و طبیعت، آبی را مگر برای نشان‌دادن شفافیت عرضه نمی‌کند (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۲)؛ شفافیتی که توأم با آرامش است؛ زیرا رنگ آبی نمایانگر آرامش کامل است و ذهنیت و مفهوم این رنگ، اثر آرام‌کننده بر سیستم مرکزی اعصاب دارد (لوچر، ۱۳۷۶: ۷۴). قیصر در شعر زیر، با استفاده از مفهوم رنگ آبی، تصویر ملکوتی و معنوی را ترسیم کرده است. در این شعر، شال آبی‌رنگ، جامه‌ای برای سیر و سلوک معرفی شده است. اگرچه کاربرد نمادین رنگ سفید در اغلب فرهنگ‌های انسانی، نظام‌های فلسفی و مذهبی از مشاهده طبیعی به دست آمده و جنبه روحانی دارد (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸، ج ۳: ۵۹۰)؛ اما در شعر قیصر رنگ آبی، روحانی‌تر و ملکوتی‌تر از رنگ سفید معرفی شده است:

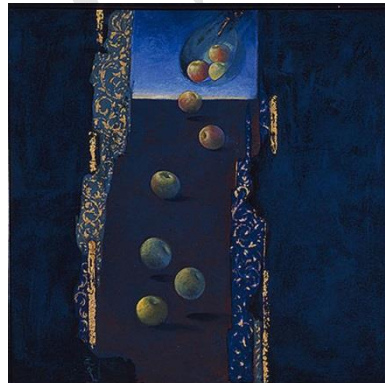
اندازه از قیام بگیرید/ بر قامتش که جامه بدوزید/ رختی ز جنس شال خدا بر تنش کنید/ آبی‌تر از سفید (امین‌پور، ۱۳۸۹: ۲۲).

در نقاشی بدون عنوان (نقاشی ۵)، غلبه با رنگ آبی است. این اثر ترکیب‌بندی متقارنی دارد و از مجموعه‌ای سیب در مرکز تابلو و عناصری شبیه درخت نمادین تشکیل شده است. رنگ آبی، ژرف است و این ژرفا انسان را تا بی‌نهایت و جاودانگی می‌کشاند؛ رنگی است که حرکتی درونی دارد و به سبب این ویژگی، روح انسان را به اعماق درون خود می‌برد، احساس آرامش و آسوده‌بودن را تداعی می‌کند و مبین مفهوم لایتناهی است، رنگ الهی و آسمانی است و با روان انسان پیوند می‌خورد و تا اعماق روح نفوذ می‌کند و نماد جاودانگی است

(افشارمهاجر، ۳۷۸). در نقاشی (۵) این مفاهیم به وضوح دیده می‌شود. آرامشی که با شکل سیب و مجموعه‌رنگ‌های طیف آبی در این اثر دیده می‌شود، حسی از ابدیت و جاودانگی را القا می‌کند و مخاطب را به تفکری عمیق سوق می‌دهد. ترکیب‌بندی متقارن این اثر بر مفاهیم یادشده کمک می‌کند و در مجموع، اثری آرام را شاهدیم و همین آرامش به مخاطب نیز انتقال می‌یابد. گویی اثر این جهانی نیست و مخاطب را از این جهان به جهانی دیگر می‌برد. تأکید بر معنویت رنگ آبی در نقاشی بدون عنوان دیگر این نقاش (نقاشی ۶)، با افزودن چهره‌ای مذهبی مورد تأکید قرار گرفته است. استفاده از خاکستری آبی و تضاد اشباع، بر این معنویت افزوده است.



نقاشی (۶)



نقاشی (۵)

نقاشی (۵). چلیپا، کاظم (۱۳۸۰). بدون عنوان، [نقاشی]. مجموعه آثار نقاشی کاظم چلیپا، تهران: سوره مهر. (۱۳۸۹).

نقاشی (۶). چلیپا، کاظم (۱۳۸۰). بدون عنوان، [نقاشی]. مجموعه آثار نقاشی کاظم چلیپا، تهران: سوره مهر. (۱۳۸۹).

رنگ سبز نماد اطمینان بخشی، تازه کنندگی، جان بخشی و انسانی است (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸، ج ۳: ۵۱۷) و همچنین تداعی گر شادی، انبساط خاطر و بهجت و نماد رویش، حیات و زندگی است (رستم نژاد و نوید، ۱۳۸۹: ۱۵۰)؛ علاوه بر معنای نمادینی که به آن اشاره شد، رنگ سبز، نماد اعتقاد فرد نسبت به ارزش های خاص است (لوچر، ۱۳۷۶: ۷۹). قیصر، رنگ سبز را نماد رویش و زندگی می داند و از این جهت با رنگ سرخ - که از آن به عنوان اصل زندگی یاد شد - در ارتباط است. او سرو را به دلیل سبز بودن و رویش با عزت می ستاید. دیدگاه قیصر در مورد زندگی بر سبز ماندن و سبز مردن استوار است. این شیوه زندگی اگرچه شاید در دنیای ظاهری ثمره ای نداشته باشد، در دنیای اخروی انسان را به سعادت و رستگاری می رساند:

خوشا چون سروها استادنی سبز/ خوشا چون برگ ها افتادنی سبز/ خوشا چون گل، به فصلی سرخ
مردن/ خوشا در فصل دیگر مردنی سبز (امین پور، ۱۳۸۸: ۱۶).

با تأمل در اشعار قیصر می توان دریافت که او رنگ سرخ را نزدیک ترین رنگ به سبز می داند؛ به ویژه هنگامی که مضامین پایداری از قبیل شهادت، ایثار و ... را مطرح می کند:

او را/ وقتی که کاشتند/ هم سبز بود و هم سرخ/ آنگاه/ آن یار بی قرار/ آرام در حضور خدا آسود/
هر چند سرخ سرخ به خاک افتاد/ اما/ این ابتدای سبزی او بود (امین پور، ۱۳۸۹: ۲۷).

در مقابل آن، رنگ زرد را در تضاد با رنگ سبز می داند. در شعر قیصر، سبز با شهادت و در مقابل آن، زرد با مرگ عجین شده است:

روزی که سبز، زرد نباشد/ گل ها اجازه داشته باشند/ هر جا که دوست داشته باشند/ بشکفند
(امین پور، ۱۳۸۸: ۱۲).

وقتی/ آن دست های بی سرانجام/ لبخند های رو به فردا را/ از شاخه ها می چیدند/ و سیب های سبز/
در باغ رو به باران/ بر خاک افتادند/ تنها/ رگبرگ ها/ رو به زردی را/ از چشم ما دیدند (امین پور، ۱۳۸۶: ۲۲).

در نقاشی های چلیپا نیز، سبز رنگ حیات است و شور و هیجانی در نقاشی ایجاد می کند که مخاطب را به وجد می آورد و روح امید را در وجودش زنده می کند. این رنگ همراه رنگ

مکملش (قرمز)، تضادی در اثر ایجاد می‌کند که بر این شور هیجان می‌افزاید. در سه نقاشی (۷)، (۸) و (۹) این شور و هیجان را به وضوح می‌بینیم.



نقاشی (۹)

نقاشی (۸)

نقاشی (۷)

نقاشی (۷). چلیپا، کاظم (?). شایت جشنواره بین‌المللی مقاومت.

نقاشی (۸). چلیپا، کاظم (۱۳۸۰). بدون عنوان، [نقاشی]. مجموعه آثار نقاشی کاظم چلیپا، تهران: سوره مهر. (۱۳۸۹).

نقاشی (۹). چلیپا، کاظم (۱۳۸۰). بدون عنوان، [نقاشی]. مجموعه آثار نقاشی کاظم چلیپا، تهران: سوره مهر. (۱۳۸۹).

۳- نتیجه‌گیری

قیصر و چلیپا به‌عنوان دو هنرمند انقلابی با زبان هنری مشترک، اما بیانی متفاوت، از موضوعی واحد سخن گفته‌اند و آن ایثار، مقاومت و شهادت است. قیصر با کلمات و چلیپا با رنگ. رنگ در اشعار قیصر کلمه شده و کلمه در نقاشی‌های چلیپا رنگ به خود گرفته‌است. گویی ذهنیت دو هنرمند انقلاب یکی است؛ اما زبان بیان متفاوت. آثار این دو هنرمند، زبان

گویای لحظه‌های ایثار و شهادت است. روح حاکم بر این آثار از یک منبع نشئت می‌گیرد و هر دو از نمادهای حاکم بر فرهنگ شهادت به یک مفهوم بهره برده‌اند. رنگ در آثار هر دو، نمودار باورهای پایداری و اهداف شهادت‌طلبانه‌ای است که پس از انقلاب اسلامی شکل گرفته است؛ بنابراین، بهره‌گیری نمادین از عنصر رنگ، مطابق با نمادهای قراردادی است؛ به گونه‌ای که رنگ سیاه، نماد ظلمت و رنگ سبز، نماد رویش و زندگی است؛ با وجود این، به دلیل ماهیت هنر پایداری، عنصر رنگ کاربرد بیشتری دارد. می‌توان گفت که رنگ‌ها، گنجایش فراوانی در انتقال پیام‌ها و اهداف و مقاصد دارند که اغلب به صورت رمز انجام می‌شود و محدودیت واژگان را در هم می‌شکند و با زبانی نو سخن می‌گوید. در جدول زیر، نمادهای رنگی به کار رفته در اشعار قیصر و نقاشی‌های چلیپا به شکل مقایسه‌ای نشان داده شده‌است:

رنگ	نماد - مفهوم	اشعار قیصر	نقاشی‌های چلیپا
زرد	افول دنیوی و ظهور اخروی	*	*
قرمز	شهادت	*	*
سیاه	ظلمت و مرگ	*	*
آبی	معنویت	*	*
سبز	حیات و زندگی	*	*

فهرست منابع

قرآن کریم.

- افشارمهاجر، کامران. (۱۳۹۰). **گرافیک تبلیغات چاپی در رسانه‌ها**. چاپ ۴. سمت: تهران.
- امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۶). **گل‌ها همه آفتابگردانند**. چاپ ۹. تهران: انتشارات مروارید.
- امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۷). **گزینه اشعار**. چاپ ۱۳. تهران: انتشارات مروارید.
- امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۸). **آینه‌های ناگهان**. چاپ ۱۵. تهران: انتشارات افق.
- امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۹). **تنفس صبح**. چاپ ۶. تهران: انتشارات سروش.
- ایتن، وهانس. (۱۳۷۳). **کتاب رنگ**. ترجمه محمدحسین حلیمی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۴). **قدر (نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی)**. تهران: سوره مهر.
- توحیدی، فائق. (۱۳۸۷). **فن و هنر سفالگری**. تهران: سمت.
- رستم‌نژاد، مهدی؛ نوید، مهدی. (۱۳۸۹). «**اعجاز رنگ‌ها در قرآن**» فصلنامه تخصصی قرآن و علم. ش ۷.
- شوالیه، ژان؛ گریبران، آلن. (۱۳۸۸). **فرهنگ نمادها** (پنج جلد). چاپ ۲. تهران: انتشارات جیحون.
- صرفی، محمدرضا؛ هدایتی، فاطمه. (۱۳۹۲). «**نماد و نقش‌مایه‌های نمادین در داستان‌های کودک و نوجوان دفاع مقدس**». نشریه ادبیات پایداری دانشگاه باهنر کرمان. س ۴، ش ۸، صص ۷۳-۸۹.

علوی مقدم، مهیار؛ پورشهرام، سوسن. (۱۳۸۹). «کاربرد نظریه روانشناسی رنگ ماکس لوشر در نقد و تحلیل شعر فروغ فرخزاد». پژوهش‌های ادبیات فارسی دانشگاه شیراز. صص ۸۳-۹۴.

گودرزی، مصطفی. (۱۳۹۰). **هنر مقاومت ۱**. منتخبی از آثار هنرمندان معاصر ایران. تهران: ساقی.

لوچر، ماکس. (۱۳۷۶). **روانشناسی و رنگ‌ها**. تهران: مؤسسه انتشارات فرهنگستان یادواره. محمدی، علی؛ زارعی، جمیله. (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل آرایه نماد در سروده‌های قیصر امین‌پور». فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی. ش ۲۲، صص ۱۴۸-۱۷۴.

معروف، یحیی؛ باقری، بهنام. (۱۳۹۰). «جایگاه نمادین رنگ در ادبیات مقاومت «نمونه مورد پژوهانه: سمیح قاسم»». ادبیات پایداری (ادب و زبان، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان). دوره ۳، ش ۵ و ۶، صص ۴۷۷-۵۰۰.

موسوی، سید کاظم؛ صفری، جهانگیر؛ حسینی، سیدمجتبی. (۱۳۸۹). **تحلیل روانشناختی رنگ سرخ و سیاه در اشعار صائب** پژوهش‌نامه ادبیات. س ۴، ش ۴، صص ۵۷-۹۲. نصرتی، معصومه. (۱۳۸۸). «بررسی نمادها در شعر کودک و نوجوان دفاع مقدس در دو دهه شصت و هفتاد». پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد. راهنما محبوبه مباشری. دانشگاه الزهرا.

[Http://sobhehonar.i](http://sobhehonar.i)